

بررسی تأثیر مبلمان شهری بر کیفیت زندگی

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز،
ایران.

فاطمه رحیمی *

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر مبلمان شهری بر کیفیت زندگی می‌پردازد. مبلمان شهری به عنوان یک عنصر اساسی در فضاهای عمومی شهری مطرح است که مستقیماً بر تجربه و رضایت شهروندان تأثیر می‌گذارد. در این مقاله، ارتباط مبلمان شهری با رفاه و رضایت شهروندان بررسی شده و مطالعات موردی و تحقیقات انجام شده در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرند. عوامل مؤثر بر کیفیت مبلمان شهری از جمله طراحی، اندازه، مواد ساخت، و موقعیت مکانی به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند. در نهایت، راهکارها و پیشنهاداتی برای بهبود کیفیت مبلمان شهری و افزایش رضایت شهروندان ارائه می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که توجه به مبلمان شهری می‌تواند بهبودهای مهمی در فضاهای شهری و کیفیت زندگی شهروندان به ارمغان آورد.

کلیدواژه‌ها: مبلمان شهری، کیفیت زندگی، فضای عمومی، رفاه شهروندان، طراحی شهری، ارتباط فضای شهری و رفاه، موقعیت مکانی، رضایت شهروندان، بهبود فضاهای شهری

۱- بیان مسئله

شهرها از فضاهای مختلفی تشکیل می‌شوند که هر کدام از آنها برای حمایت و تسهیل برخی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی و ایجاد معانی که شهروندان به آنها نیاز دارند، شکل می‌گیرند. با توجه به اینکه هر فعالیت به فضایی با ویژگی خاص یا قرارگاه رفتاری مناسب نیاز دارد، در صورت عدم وجود فضای مناسب، کیفیت بروز نوع فعالیت‌ها دچار مشکل شده و در نهایت موجودیت شهر از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی با اختلال روبه‌رو خواهد شد (فلاح، ۱۳۸۷). بی‌شک قسمت عمده‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده سیمای شهر، مبلمان آن شهر است که ریشه حضور مبلمان شهری در جوامع انسانی به قدمت تاریخ است (محمد نژاد، ۱۳۸۷).

یکی از نتایج توجه به مفهوم کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی توسعه و عمران، در نظر گرفتن نتایج و تأثیرات کیفی توسعه بر روان و حیات معنوی انسان‌هاست که در گذشته کمتر بدان توجه شده است. این امر مستلزم شناخت نیازهای انسانی و تنوع آنهاست که بسیار فراتر از نیازهای زیستی و اقتصادی است (بیگدلی، ۱۳۸۵). اگر کیفیت زندگی توسط رابطه بین ادراکات فردی و احساسات مردم با تجربه‌های آنها در درون فضایی که در آن زندگی می‌کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸) سنجیده شود، آنگاه بخشی از این ادراکات به تجربه انسان از محیط در مواجهه با مبلمان شهری، معطوف خواهد گردید. مبلمان شهری یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر فضاها و سیمای ظاهری شهرهاست که به مجموعه وسیعی از وسایل، دستگاه‌ها، نمادها و عناصری گفته می‌شود که چون در شهر و خیابان و در کل در فضای باز نصب شده و استفاده عمومی دارند.

یکی از راه‌های بهبود کیفیت زندگی شهروندان، داشتن مبلمان مناسب شهری است. زیباسازی مبلمان شهری یکی از عوامل مهم است که با طراحی مناسب و به کارگیری متناسب با محیط در بخش‌هایی از شهر که به آن فضاهای شهری می‌گوییم (فضاهایی همچون پارک‌ها، میادین، پیاده‌روها، مراکز تجاری و ...) تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی شهر بر جای می‌گذارد.

در طراحی مبلمان شهری، اقلیم، عوامل اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و طبیعی در نظر گرفته می‌شود، به طوری که "طراحی با محیط و برای محیط باشد". و نیز "طراحی برای مردم به سوی با مردم و در نهایت توسط مردم صورت گیرد". همچنین ضمن بهره‌گیری از استانداردها و معیارهای جهانی، آنها را با توجه به شرایط محلی تعدیل و حتی تغییر داد تا هویت مکانی و هویت فرهنگی آن حفظ شود (به مکان هویت ببخش و خود نیز از آن هویت یابد)، به این معنی که ضمن این که خود در آن مکان تعریف می‌شود، خود نیز از آن تعریف یابد. زمان نیز عامل مهم در طراحی محسوب می‌شود. هر مکانی و هر زمانی برای خود استاندارد ویژه‌ای را می‌طلبد. علاوه بر موارد فوق، بایستی مبلمان شهری به صورتی طراحی گردد که علاوه بر زیبا و کارا بودن، خود نیز عامل زیبایی در محیط شهری محسوب گردد و ضمن مناسب‌سازی فضای شهری از آشفتگی بصری جلوگیری شود (همان).

بحث اصلی این تحقیق به شهر تهران و خیابان ولیعصر مربوط می‌شود. هدف اصلی این بررسی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا وضعیت مبلمان شهری و فضاهای موجود فراغت به گونه‌ای هست که مردم در این فضاها بتوانند انتخاب کنند و بیاموزند؟ آیا حضور و بهبود مبلمان شهری به بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود؟

۲- اهداف پژوهش

۲-۱- هدف اصلی

- تأثیر مبلمان شهری بر کیفیت زندگی

۲-۲- هدف فرعی

- بررسی وضعیت مبلمان شهری خیابان ولیعصر از نگاه شهروندان
- بررسی وضعیت مطلوب مبلمان شهری برای گذراندن اوقات فراغت از نگاه شهروندان

۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

کیفیت زندگی، یکی از مهمترین مسائل پیش روی جهان امروز می باشد (فیلیس، ۲۰۰۶، ص ۲۴۲). همچنین، ارتقاء کیفیت زندگی از مهمترین اهداف حکومت ها و دولت های مختلف در سطح دنیا محسوب می شود (حسین زاده و میرزایی، ۱۳۸۶). یافته های کیفیت زندگی می تواند برای بازشناسی استراتژی های سیاسی قلمی و طراحی سیاست های برنامه ریزی آینده استفاده شوند (Lee, 2008, p. 1205). یکی دیگر از دلایل چنین توجه ای به کیفیت زندگی، در سؤال برای تخصیص منابع محدود و کمیاب نهفته است (Megone, 1990, p. 35). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می تواند به شناسایی نواحی مسئله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارآیی سیاست ها و استراتژی ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند.

ضرورت شناخت کیفیت زندگی، از طرفی با توجه به بسترهای مهم شهری در توانایی جذب و حفظ سرمایه های انسانی است و از سوی دیگر با توجه به جایگاه کیفیت زندگی در شهرها و مناطق شهری و توجه به اینکه هنوز در ایران سیستم جامع و معینی در رابطه با سنجش کیفیت زندگی تدوین نشده، می توان با بررسی جوانب گسترده ی کیفیت زندگی، زمینه ی دستیابی به نظام جامع سنجش کیفیت زندگی را فراهم کند. شایان ذکر است به دلیل گستردگی موضوع، در این تحقیق نقش مبلمان شهری در زیباسازی و بهبود کیفیت زندگی شهروندان تهران و کیفیت خیابان ولیعصر بررسی می شود.

۴- پیشینه پژوهش

۴-۱- پیشینه داخلی

کیفیت زندگی موضوعی میان رشته است که از دهه ۱۹۷۰، هنگامی که محققان به طور فزاینده در جستجوی درک مسائل اجتماعی و اقتصادی ناشی از نابرابری در دسترسی به منابع اجتماعی و مادی بودند مورد توجه جغرافیدانان قرار گرفت و امروزه به عنوان کلیدی ترین مفهوم در برنامه ریزی شهری است. براین اساس در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، برنامه ریزان در تلاش برای نمایش سطوح کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی مانند واحد همسایگی، اجتماع، ناحیه و منطقه هستند. تا از این طریق بتوانند راهکارهای بهینه ای برای بهبود کیفیت زندگی نواحی عقب مانده ارائه دهند (وظیفه دوست، ۱۳۸۸).

باین حال، کیفیت زندگی به عنوان حالتی در نظر گرفته می شود که فرد در آن نسبت به خودش، طبیعت و جامعه ای که در آن زندگی می کند احساس آرامش درونی و رضایت داشته باشد (علی اکبری و امینی، ۱۳۸۹). مبلمان شهری به عنوان عنصری در شهر که وظیفه خدمت رسانی و رفع نیاز شهروندان را دارند، شناخته می شود. در تحقیقاتی فراوان به تعاریف و دسته بندی مبلمان شهری اشاره شده (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۳) و اشاره شده که شهر و مبلمان آن بر یکدیگر تأثیر دارند (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱) همچنین آمده است که مبلمان مناسب و کارآمد می تواند موجب ارتقاء کیفیت محیط شهری شده و تأثیر مطلوبی بر ذهن شهروندان بگذارد. و کیفیت و زیبایی آن نقش اساسی در دستیابی به شهری زیبا دارد (ملک، ۱۳۸۵).

همچنین در تحقیقاتی به بیان ویژگی‌های لازم مبلمان شهری، تقسیم‌بندی، ضوابط و معیارهای طراحی و مکان‌یابی آنها پرداخته و عوامل و ملاحظات کلی و عمده در طراحی مبلمان شهری، از جمله: تناسب و همخوانی، پاسخ به نیاز محیط، عوامل فرهنگی و اجرایی و عملکردی را برشمرده‌اند. و از جمله عوامل غیرفیزیکی آن، فرم، رنگ، زیبایی، هماهنگی با محیط و ... را برشمرده‌اند (مرتضایی، ۱۳۸۱).

زیباسازی شهر از دو بعد کارکردی و بصری مورد مطالعه قرار گرفته است. بعد کارکردی به جنبه‌های عملکردی عناصر و مبلمان شهری می‌پردازد که بر جسم شهروندان تأثیر دارد و بعد بصری با مقوله‌هایی همانند زیبایی، نیازهای بصری شهروندان، افزایش گستره و کیفیت حضور شهروندان، افزایش تعاملات اجتماعی و ایجاد هویت و حس تعلق خاطر در شهروندان؛ باید مورد توجه برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۳).

۴-۲- پیشینه خارجی

هارولد لویس مالت، نخستین محقق بود که در سال ۱۹۷۰ در ایالات متحده آمریکا در کتابی با عنوان "مبلمان شهری" به این موضوع پرداخته و ضوابطی را برای مکان‌یابی مبلمان شهری بیان کرده است (محمدنژاد و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۴۴).

در سال ۱۹۹۱ میلادی جوهانا گیونز، برنارد اوپر هولستر^۱ در اثری تحت عنوان "طراحی منظر خیابان‌های شهری" به بررسی مبلمان شهری در خیابان‌ها و طراحی و مکان‌یابی آن‌ها پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که عناصر مبلمان شهری از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر زیبایی منظر معابر شهری می‌باشند.

بونا بولداک^۲ (۲۰۱۲)، در پژوهش خود با عنوان "تحلیلی بر استفاده از مبلمان شهری در تبلیغات شهری" با تأکید بر زیبایی و جذابیت‌های بصری، طراحی شهری که تمام ویژگی‌های شهری را به صورت منفرد مورد بررسی قرار می‌دهد را به عنوان عملی که هویت یک خیابان را شکل می‌دهد قلمداد کرده است و با هویت جدیدی که خیابان به دست می‌آورد، رابطه بین انسان‌ها و شهرها، ضرورت وجود کیفیت بالای محیط زندگی و کیفیت زندگی نمایان می‌شود. در این تحقیق، هدف نشان دادن بهترین استفاده از مبلمان شهری به عنوان بخشی از زندگی عمومی است. با در نظر گرفتن این ایده که طراحی گرافیکی و محصولات آن که در مبلمان شهری استفاده شده‌اند، میزان درک و خوانایی یک محیط را افزایش می‌دهند.

وان پک هونگ^۳ (۲۰۰۷)، در پژوهش خود با عنوان "اصول طراحی و اجرای مبلمان خیابانی" بیان می‌کند که مبلمان شهری نقش بسیار مهمی در خصوص سنجش کیفیت محیط شهری و نیز ارائه تصویری واضح از شهر در کنار سایر عناصر منظر شهری ایفا می‌کنند، وی در پژوهش خود به بررسی و تحقیق در زمینه اصول طراحی چشم‌انداز شهری، ادغام و سازماندهی مجدد اصول طراحی مبلمان می‌پردازد. همچنین به بررسی اصول طراحی مبلمان شهری در مکان‌های مختلف مثل آمریکا، ژاپن و چین پرداخته است. این مطالعات مدلی را شامل سه اصل اساسی عملکرد، وحدت و هویت برای اصول طراحی مبلمان خیابانی مدنظر قرار داده و به بررسی اهمیت، دلایل و جزئیات اصول وحدت، عملکرد و هویت و ارتباط بین آنها می‌پردازد. این پژوهش یک منبع مفهومی از طراحی مبلمان شهری برای افراد مختلف (سیاست‌گذاران، طراحان و عموم مردم) را فراهم می‌کند تا به تولید مبلمان شهری با کیفیت بپردازند.

1. Johanna Gibbons, Bernard Avbrhvlst

2. Bona bulduk

3. Wan Pak Hong

۵- تعاریف و مفاهیم

۵-۱- مبلمان شهری

مبلمان شهری، ترجمه عبارت انگلیسی Urban furniture، یا street furniture است که در برخی موارد تحت عنوان عناصر شهری از آن یاد می‌شود. این عناصر در انگلستان بیشتر به "مبلمان خیابانی" و در آمریکا به "مبلمان همگانی" یا "مبلمان فضای باز" معروف هستند (مرتضایی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). این مجموعه شامل عناصری می‌شود که اولاً در فضای باز و عمومی شهر مکان‌یابی شده و مورد استفاده عمومی دارند، و ثانیاً وجود آنها در فضاهای شهری به نیازی از نیازهای شهروندان پاسخ می‌گوید (پورابوطالب، ۱۳۸۵، ص ۳۱). در منابع دیگر عناصری که برای راحتی، آسایش، ارائه اطلاعات، کنترل حرکت، ایجاد امنیت و رفاه حال استفاده کنندگان در فضاهای باز شهری، فضاهای سبز یا خیابان قرار داده می‌شوند، را در مجموع مبلمان یا اثاثیه شهری نامیده‌اند (مقصودی، ۱۳۸۶، ص ۴).

۵-۲- تاریخچه مبلمان شهری

مبلمان شهری، مجموعه‌ای از تجهیزات و تسهیلاتی است که کیفیت و کارآیی زندگی را در شهر و خیابان ارتقاء می‌بخشد. در بررسی سیر تحول این مجموعه و سابقه تلاش‌های پیشین، آنچه که قابل ذکر است، ارتباط تنگاتنگ تاریخی و تفکیک‌ناپذیر این عناصر با خاستگاه خود است. خیابان، کوچه، میدان، پارک و در کل خود شهر، خاستگاه‌های نخستین انواع مبلمان هستند. تأثیرات مستقیم و مشخص هر شهری بر مجموعه عناصر و فضاهایش بر کسی پوشیده نیست. شهر بر خیابان اثر می‌گذارد و آنها نیز بر مبلمان و تجهیزات دیگر شهری (توسلی و بنیادی، ۱۳۷۱، ص ۱۸).

۵-۳- مبلمان شهری و نیاز شهروندان

مبلمان شهری مناسب و کارآمد نه تنها می‌تواند موجب ارتقاء کیفیت محیط شهری گردد و تأثیر مطلوبی بر ذهن شهروندان بگذارد، بلکه می‌تواند در آنها حس تعلق خاطر نسبت به فضاهای شهری به وجود آورد (ملک، ۱۳۸۵، ص ۷).

در طراحی شهری بایستی حداقل خدمات و امکانات شهری به‌طور یکسان در اختیار تمام اقشار شهروندی قرار گیرد و تنوع و امکان انتخاب متفاوت را برای تمامی گروه‌های مختلف جامعه فراهم سازد (همان). از آنجا که مبلمان شهری در اماکن عمومی قرار دارند، استفاده کنندگان آن را همه افراد جامعه تشکیل می‌دهند. مرد، پیر، جوان، خرد و کلان، همگی انتظارات جسمی و روحی متفاوتی از این محصول دارند. در واقع مبلمان‌های شهری باید نیازمندی‌های استفاده کنندگان را در سطوح وسیع و به صورت پایدار برطرف سازند (پورابوطالب، ۱۳۸۵، ص ۳۵).

۵-۴- گونه‌شناسی مبلمان شهری

به‌طور کلی می‌توان مبلمان شهری را به دو گروه کارکردی و تزئینی تقسیم نمود. البته این بدان معنی نیست که مبلمان کارکردی شهر نباید آراسته و چشم‌نواز باشد، هدف این تفکیک توجه به این موضوع است که در دسته نخست (مبلمان کارکردی) تأکید بر جنبه‌های عملکردی، توزیع مناسب، مکان‌یابی درست، و اندازه مناسب با محیط باشد (روحبخش، ۱۳۸۵، ص ۴).

همچنین مبلمان شهری شامل کاربری‌های مختلف از قبیل مبلمان با کاربری تفریحی - رفاهی، مانند نیمکت، سطل زباله، مبلمان بازی کودکان یا غیره، مبلمان با کاربری تزئینی مانند: گل جایگاه‌ها، تندیس‌ها، آبنماها و ...، مبلمان با کاربری تردد و ارتباطی مانند سرپناه‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، کفپوش‌ها، پارکینگ‌ها و دستگاه‌های پارکبان و ... در نهایت مبلمان با کاربری چندمنظوره از عناصر تلفیق‌یافته مانند تلفیق نیمکت و گل جایگاه و غیره و در نهایت مبلمان با کاربری خدماتی را نام برد که شامل: تابلوها، علائم، سایبان‌ها، باجه‌ها و غیره می‌باشند (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۳، ص ۱۰).

مبلمان شهری از جمله عناصر سازنده فضای شهری محسوب می‌شود که کمیت و کیفیت زیبایی، راحتی، دوام و محل استقرار آن نقش بسیار اساسی در دستیابی به شهری زیبا و سالم دارد؛ شهری که در آن شهروندان احساس آسایش نمایند و حضور در آن را به نشستن در خانه ترجیح دهند. از آنجا که سه هدف اصلی برنامه‌ریزی شهری، سلامت، آسایش و زیبایی می‌باشد، لذا دستیابی به هر سه مورد، در کنار توجه به طراحی دلپذیر فضای شهری، نیازمند دقت و حوصله در طراحی و برنامه‌ریزی مبلمان شهری است. تقسیم‌بندی عناصر مبلمان شهری به صورت‌های مختلفی عنوان شده ولی در کل می‌توان آنرا در چهار گروه اصلی معرفی نمود:

الف- مبلمان خیابانی

ب- مبلمان پارکی

ج- مبلمان ترافیکی

د- سازه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی (روح بخش قصابی، ۱۳۸۵).

۵-۵- هماهنگی عناصر مبلمان شهری با یکدیگر و با فضا و مکان

یکی از ارکان اصلی زیباشناختی، هماهنگی بین عناصر مبلمان است. در زیباشناختی منظور از هماهنگی با هارمونی نظامی است که بین اجزاء تشکیل‌دهنده یک عنصر، پدیده، فضا با مکان وجود دارد. هماهنگی نتیجه ارتباط بین دو چیز متضاد می‌باشد. یک شکل هنگامی قابل دیدن است که به نوعی بتواند خودش را از زمینه‌اش جدا کند، هماهنگی زمانی به وجود می‌آید که تضاد نیز به نوعی وجود داشته باشد.

یکی از ویژگی‌های فضاهای مطلوب شهری، هماهنگی و متناسب بودن هر یک از اجزای مبلمان شهری با یکدیگر و با فضایی که در آن قرار می‌گیرند، می‌باشد. مبلمان شهری می‌تواند به محیط، شخصیت بدهد و جنبه‌های مثبت آن را ارتقاء دهد ولی در صورتی که بتوان این مبلمان را براساس مقیاس، رنگ، جنس و ... با محیط و عناصر اطراف آن هماهنگ کرد.

پس عنصر و محیط اطراف آن عوامل مشترک را باید تقویت کرد. مثلاً در پارک‌ها که محیط طبیعی‌تر است بهتر است از سطل‌های زباله چوبی برای جذابیت بصری استفاده کرد.

هماهنگی و همخوانی بین عناصر و محیط اطراف یکی از عوامل مهم در طراحی مناسب و چشم‌نواز مبلمان شهری می‌باشد.

۵-۶- رنگ در مبلمان شهری

از جمله مهمترین فاکتورهای تأثیرگذار در هماهنگی یا عدم هماهنگی مبلمان شهری یا مکان و فضا و در عین حال با دیگر مبلمان‌ها مسئله انتخاب رنگ می‌باشد.

تقسیمات منطقه‌ای، عناصر مختلف شهری، معماری و بافت منطقه‌ای از معیارهای رنگ‌آمیزی مبلمان شهری می‌باشند. همچنین نوع رنگ بر پایه پژوهش‌های رنگ از منظر روان‌شناسی شهری، پژوهش‌های روانکاوانه هر منطقه و طبقه‌بندی نیازهای رنگی بر پایه پژوهش‌های رنگ از منظر روان‌شناسی شهری، پژوهش‌های روانکاوانه هر منطقه و طبقه‌بندی نیازهای رنگی براساس فرهنگ هر منطقه، رنگ فضای سبز و رنگ‌بندی گل‌آرایی، هارمونی رنگ‌های طبیعی فضای سبز با رنگ حصارها و عناصر موجود در فضا و معماری، پژوهش‌های تکنولوژیک و شیمیایی رنگ و مصالح ماندگار و سازگار با شرایط اقلیمی آن مشخص می‌شوند.

رنگ به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر بصری تأثیر زیادی در منطقه عمومی دارد، ولی متأسفانه توجه زیادی به آن نمی‌شود و بر پایه باسابقه‌ترین مدیران و کارشناسان می‌باشد؛ همچنین رنگ به‌عنوان یکی از عناصر تلطیف‌کننده است. محیط تأثیرات زیادی در هویت‌بخشی و خوانایی محیط دارد و باید توجه داشت که همه جای شهر را نمی‌توان به صورت یکسان رنگ‌آمیزی کرد؛ ولی بعضی از انواع مبلمان مانند سطل زباله، کیوسک تلفن باید به صورت واحد رنگ‌آمیزی شوند اما الزامی در واحد بودن رنگ بقیه عناصر وجود ندارد.

قبل از بافت و فرم و مواد مصرفی در عناصر، رنگ تأثیر بیشتر دارد. رنگ نباید برای دوره‌ای کوتاه و تنها به قصد جلب توجه رهگذاران به کار رود. چون شهروند وظیفه‌شناس و مسئول که تکلیف خود را در برابر محیط طرفین می‌داند رنگ تعیین‌کننده نیست و اگر به این صورت نباشد برجسته‌ترین رنگ‌ها و ترفندها هم نمی‌تواند آن را مفید به تکلیف خود کند. فضا نیز قابلیت‌های بالایی برای ترکیب رنگ دارد. عواملی مانند: زمان، دیدن، رنگ زمینه، رنگ‌های ثابت و منابع نوری طبیعی و مصنوعی در تشخیص یک رنگ در محیط دخالت دارد. قرمز و نارنجی بیش از هر رنگی جلو آمده یا پیش آمدگی دارند. (مرتضایی، ۱۳۸۲، ص ۲۸). رنگ‌های سبز و آبی چشم را نزدیک‌بین کرده چرا که این دو رنگ متمایل به عقب رفتن و عمیق شدن هستند. زرد و ارغوانی خنثی می‌باشند، به‌طور کلی رنگ‌های گرم (قرمز، صورتی، زرد، نارنجی) برای نخستین سال‌های زندگی اهمیت دارند و رنگ‌های آبی، قرمز و سبز در دوران بلوغ دارای اهمیت هستند. رنگ آبی خصوصیتی مانند: طراوت، پاکی، امید و آرمان‌بخشی دارد و رنگ زرد آرام‌بخش حالات عصبی و متعادل‌کننده اعصاب سمپاتیکی و پاراسمپاتیکی می‌باشد. رنگ سبز، رنگ طبیعت است که سبز روشن برای درمان بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی است. طبیعت سرشار از رنگ‌های متنوع است که رنگ سبز از حاکمیت خاصی برخوردار است. همچنین این رنگ فضایی قابل تحمل را برای افراد زیاد ایجاد می‌کند. (نویفرت، ۱۳۷۱، ص ۲۲).

محیط‌های روشن برای چیدمان جسورانه و پویا مناسبند و رنگ‌های اصلی و غنی در این فضاها رایج‌ترند. برای مکان‌هایی که کارهای فیزیکی و فکری انجام می‌شود، رنگ‌های عمیق و ملایم استفاده می‌شود و از توانایی بیشتر باید در مناطق معتدل استفاده شود. سفید خیره‌کننده است و به سادگی کثیف می‌شود. خاکستری با هر رنگی هماهنگی دارد. رنگ‌هایی با رنگمایه کم برای محیط‌های فعال و پر جنب‌وجوش مناسب‌تر است و رنگ‌های فوق‌تر برای تأکید و برانگیختن به کار می‌روند. توجه به رابط اقلیمی منطقه موردنظر برای طراحی و انتخاب رنگ بسیار مهم می‌باشد. (مرتضایی، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

۵-۷- انتخاب نمونه و محل استقرار مبلمان در شهر

اولاً به انتخاب و جانمایی اجزای مبلمان شهر چندان توجه نمی‌شود. در این خصوص اندیشه، طرح و آن‌طور که باید، به کار گرفته نمی‌شود، عقاید بیشتر بر پایه هزینه کمتر ارزیابی می‌گردند و مطلوب و بادوام و شایستگی استاتیکی در

حاشیه واقع می‌شوند. در این باره نیز گرایشی افراطی و استقرار مبلمان می‌شود که تلاش پوچ و مضحکی است در تقلید از مبلمان شهری کلاسیک.

تقلیدگاه به قدری کورکورانه است که صرف نسخه‌برداری از شهرها و کشورهای بیگانه، تمام همت و لیان امور را دربرمی‌گیرد. این حالت به‌ندرت در شرایط خاصی از نظر زمانی، مکانی و موقعیتی قابل است اما به‌طور کلی در شهرسازی پیش رفته امروز قابل توجیح نیست. از سوی دیگر، برخی چنان مدرنیسم و تجددگرایی شده‌اند که حاصل کار آنها، تبدیل شهر به صحنه نمایشی است با مبلمانی فانتزی کاربردی که به سختی با مخاطبانش ارتباط برقرار می‌سازند. درحالی که مبلمان شهری خوش طرح با مطلوب، ناخودآگاه درک و به‌گونه‌ای در ذهن نقش می‌بندد که گویی همیشه به این محل و خیابان بسته است.

تولیدکنندگان زیادی به واسطه اشتیاقشان به مواد مصنوعی نوظهور، اغلب فواید مواد طبیعی را به فراموشی می‌سپارند. موادی که رنگ و بافت پایدارتری دارند، هنگام تماس حس زنده‌تر و خالص‌تری القاء می‌کنند با افزایش عمر و تغییرات اقلیمی، بیشتر سازگاری دارند. مواد مصنوعی معمولاً از لحظه استفاده شروع به رفتن می‌کنند. بهترین شیوه استفاده از مواد طبیعی همانا سود جستن از مواد بومی و منطقه‌ای است، که به‌طور طبیعی با محیطشان هماهنگ هستند و ارزش‌های نهفته زیادی دارند. محصولات با این مصالح انتخاب و مستقر شوند به نظم و هماهنگی کلی شهر کمک می‌کنند.

۵-۸- مفهوم کیفیت

کیفیت واژه‌ای است که در تمامی رشته‌های هنری و علمی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهن) درک و به صورت مستمر در چهارچوب گفتمان حوزه‌های مزبور به کار برده می‌شود. با این وجود تلاش برای درک کامل معنای این واژه تلاشی ساده و آسان نیست. کیفیت در حالت عادی به معنای کاملاً واضح برای وصف درجه کمال اشیاء و پدیده‌ها به کار رفته برده می‌شود؛ با این حال تعیین نمودن این که چه چیزها و چه خصوصیتی واقعاً درجه کمال شیء هستند، امری دشوار است. معنای لغوی واژه کیفیت در فرهنگ زبان فارسی، چگونگی و چونی صفت حالت چیزی عنوان گردیده است.

واژه فارسی کیفیت به لحاظ ریشه‌شناسی واژه (Etymolog) از واژه عربی کیفیه که اسم است مشتق شده است. واژه کیفیت در زبان انگلیسی به ماهیت و نوع یا خصوصیت یک شیء اشاره می‌کند. این واژه از لغت‌های لاتین (qualite) و (qualitatis) به معنی از یک نوع و از واژه فرانسوی کالیه مشتق شده است. فرهنگ انگلیسی اکسفورد در ذیل واژه کیفیت چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می‌نماید:

۱. درجه خوبی و ارزش چیزها
۲. خوبی و کمال به مفهوم تمام
۳. صفات و خصوصیات
۴. جنبه ویژه و علایم ممیزه

کیفیت، به آن ویژگی مشخصه یک چیز یا پدیده اطلاق می‌شود که تأثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می‌گذارد. منظور از کیفیت از طرفی خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز است (برای نمونه سکون و دل‌بازی در یک میدان) از طرف دیگر کیفیت کلیت و سیستمی از جزء کیفیت‌هایی است که آن چیز را به وجود آورده‌اند (برای نمونه تناسب و رنگ میزان محصوریت در همان میدان مثال قبلی). به همین خاطر می‌توان یک‌بار با دیدگاهی کلی

نگرانه ویژگی‌های اساسی و ماهوی یک چیز را بررسی نمود و یا می‌توان بار دیگر از دیدگاهی جزئی نگرانه تک‌تک کیفیت‌ها را بررسی نمود (گلکار، ۱۳۸۰)

۹-۵- رویکرد برنامه‌ریزی شهری و کیفیت زندگی

رویکرد برنامه‌ریزی شهری و کیفیت زندگی در شهری که براساس کیفیت زندگی اداره شود، مهم‌تر از ابعاد ساختمان‌ها و شکل ظاهری آن‌ها، آسایش ساکنان است. درچنین شهری نیز پیاده‌روها به اندازه خیابان‌ها اهمیت دارند و نیازهای فرهنگی شهروندان کم‌اهمیت‌تر از احداث مراکز تجاری نیست. در صورت انتخاب این ملاک، ترجیح هزینه‌ای به هزینه دیگر با توجه به کیفیت زندگی خواهد بود (بربری، ۱۳۸۶).

آنچه امروزه در طرح‌ها مشاهده می‌شود، گزارش‌های علمی و همراه با اعداد و ارقام، تراکم‌ها و مساحت‌ها است. اما برخی از ویژگی‌ها به دلیل آنکه با اعداد و ارقام قابل بیان نیستند به فراموشی سپرده می‌شوند، کیفیت‌هایی مثل پایداری، خوانایی، هویت، تنوع‌پذیری و ... ده‌ها نمونه دیگر از این جمله‌اند. صرف توجه به جداره‌سازی خیابان‌ها، زیباسازی و تعریض معابر نمی‌تواند کیفیت را به محیط‌های شهری بازگرداند. اگر برای کارشناسان، تعیین میزان تراکم ساختمانی، تعیین میزان فاصله دو تقاطع در یک خیابان و ... مهم باشد برای مردم دوری یا نزدیکی، یکنواختی یا تنوع، آرامش یا شلوغی آن حائز اهمیت است (پاکزاد، ۱۳۸۱).

بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در سال‌های اخیر در روند مطالعات برنامه‌ریزی به چند دلیل رواج یافته و حائز اهمیت است: اول این که استفاده از این شاخص‌ها، امکان مداخله و اثرگذاری مدیریت‌های محلی را بر سطوح عمیق زندگی شهری فراهم می‌کند، دومین دلیل اهمیت این شاخص‌ها، ارتباط آن‌ها با کالبد شهر است، نظیر دسترسی به فضای سبز و طبیعت در شهر به طور مستقیم وجه کالبدی داشته و کاملاً تحت تأثیر سیاست‌های شهری و طرح‌های توسعه کالبدی قرار دارند، دلیل دیگر توجه به این شاخص‌ها، اثرگذاری تمایزات کیفیت زندگی در محلات در بازتولید نابرابری‌ها در جامعه است (حوزه معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴).

۱۰-۵- اهمیت مطالعه کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری

مفهوم کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی شهری حداقل می‌تواند در دو مرحله از فرایند برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار بگیرد. مرحله اول جایی است که برنامه‌ریزان می‌خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. در واقع در این مرحله برنامه‌ریزان در پی آن هستند تا اولویت‌ها و مسائلی را که از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، به طور ویژه مورد توجه قرار بدهند، که بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند راهنمای مناسبی برای آنها در این مرحله باشد.

در مرحله دوم نیز بررسی اثراتی است که این برنامه‌ها و پروژه‌ها بر روی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند داشته باشد، راهنمای مناسبی را برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران به وجود می‌آورد. درواقع برنامه‌ها و پروژه‌هایی می‌توانند سودمندی و کارآیی داشته باشد که در نهایت منجر به بالابردن کیفیت زندگی شهری شود و به خصوص برخی ابعاد آن را که بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان شهری می‌باشد، ارتقاء دهد (لطفی، ۱۳۸۰).

برنامه‌ریزی با تکیه بر تفکر ارتقاء کیفیت زندگی، افق‌های جدیدی را برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان شهری فراهم می‌کند. گسترده‌گی انگاشت کیفیت زندگی طیف وسیعی از مشکلات مختلف شهری را تحت پوشش قرار می‌دهد و با تکیه بر اهداف ارتقاء کیفیت زندگی است که می‌توان به توافق و هم‌رأیی بیشتری در برخورد با مشکلات شهری دست پیدا کرد.

استفاده از انگاشت کیفیت زندگی در روند اجرایی برنامه‌ریزی به اهداف و ارزش‌های مورد نظر جامعه، افزون بر نتایجی که در بطن تمامی روش‌ها و نظریات برنامه‌ریزی وجود دارد، دستاوردهای منحصربه‌فردی چون افزایش مشارکت عمومی و نزدیکی افکار مسئولین و تصمیم‌گیرندگان از یک سو و از سوی دیگر شهروندان را نیز در پی خواهد داشت و با اهمیت دادن به مواردی که به‌طور مستقیم با زندگی شهروندان در ارتباط است زبان مشترکی برای ایجاد هم‌رأیی و گفتگو میان شهروندان، برنامه‌ریزان و مراجع تصمیم‌گیری فراهم ساخته و با توجه به ماهیت پیچیده و گسترده‌ای که دارد در یک نگاه، تمامی مشکلات موجود در یک سیستم شهری را از دید ساکنین شهرها منعکس می‌کند. به همین علت، انگاشت کیفیت زندگی کاربردهای گسترده‌ای در برنامه‌ریزی شهری پیدا کرده است و قابلیت‌های منحصربه‌فردی در برنامه‌ریزی برای جذب سرمایه‌های اقتصادی، فراهم ساختن حضور نیروهای کارآمد و خلاق، ایجاد زمینه‌های نوآوری در دانش، تشکیل خوشه‌های کارشناسی، تجدید حیات شهری و فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت عمومی در تولید برنامه‌های شهری دارد.

همچنین نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی و پایش و ارزیابی کارآیی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی (که هدف اصلی این مطالعه می‌باشد) کمک کند (Rishan Teklay, 2012). نکته‌ای که باید در به کارگیری انگاشت کیفیت زندگی به آن توجه داشت این است که اجزای یک سیستم شهری اثرات متنوع و مختلفی بر یکدیگر دارند، که در برخی موارد ممکن است افزایش یا کاهش آنها نسبت به یکدیگر اثر خنثی کننده داشته باشند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که برنامه‌ریزی بتواند یک‌باره کیفیت زندگی را ارتقاء بخشد. این امر مستلزم یک حرکت گام‌به‌گام و پیوسته است.

۶- دیدگاه نظریه پردازان در ارتباط با فضاهای عمومی شهر

گرچه توجه به نقش و ارتقاء وضعیت فضاهای عمومی شهری از بدو پیدایش شهرها و به‌ویژه در طول بیش از یک سده گذشته همواره وجود داشته، اما نگاه صاحب‌نظران به این موضوع از روندی یکنواخت و ثابت برخوردار نبوده و در دوران گوناگون متفاوت بوده است. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد که می‌توان مهمترین رویکردهای معاصر در ارتباط با ارتباط با فضاهای عمومی شهری را بر مبنای گرایش غالب موضوعی (و نه زمان تقویمی نظریه‌پردازی) در سه دوره اصلی؛ پس از انقلاب صنعتی تا سال ۱۹۶۰ از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ و از ۱۹۹۰ تاکنون دسته‌بندی نمود. جدول (۱-۲) بر همین اساس، مشخص می‌گردد که در دوره اول تأکید اصلی بیشتر بر ادراک فضایی و بصری و در دوره دوم بر تقویت تعاملات اجتماعی، گسترش پیاده‌مداری و تأثیرات محیطی- رفتاری فضاهای شهری بوده است. درحالی‌که در دوران اخیر با تثبیت نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی- پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی است. به عبارت دیگر، بررسی روند تحول نظریه‌ها و رویکردهای غالب، در سه دوره مورد اشاره بیانگر آن است که با گذشت زمان هم به حضور انسان به‌عنوان عامل اصلی ایجاد پویایی و سرزندگی در فضای شهری، توجه بیشتری گردیده و هم تمرکز از ویژگی‌های کمی انسانی همچون جاذبه‌های بصری به شاخصه‌های کیفی مانند ایجاد امنیت و پایداری محیطی تغییر پیدا نموده است (کاشانی جو، ۱۳۸۹).

جدول ۱. خلاصه دسته‌بندی مهمترین صاحب‌نظران و رویکردهای مرتبط با فضاهای عمومی شهری (کاشانی جو، ۱۳۸۹)

دوره زمانی	رویکرد غالب	مهمترین صاحب‌نظران
دوره اول: انقلاب صنعتی تا ۱۹۶۰	تأکید بر ادراک فضایی و بصری	کامیلوسیت، گوردون کالن، راب کریر، آلدو روسی، کریستوفر الکساندر، کلیف ماتین، علی مدنی پور، جهان‌شاه پاکزاد
	تأکید بر تأثیرات محیطی - رفتاری	کونین لینچ، آموس راپاپورت، رومدی پاسینی، التمنت، هولویل، مور، جان لنگ، حسین بحرینی
دوره دوم: ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰	رویکرد تقویت تعاملات اجتماعی	حنا آرنه، پاول زوکر، جین جیکوبز، ویلیام وایت، یان گل، اولدنبرگ، کلر کوپر مارکس
	تأکید بر حرکت در فضای شهری و گسترش پیاده‌مداری	توننی گارنیه، اشپرای رگن، لارنس هالپرین، ادموند بیکن، هلیبر، مایکل ای آرث
دوره سوم: ۱۹۹۰ تا کنون	رویکرد ایجاد امنیت و مقیاس انسانی در فضای شهری	لوئیس مامفورد، فرانسیس تیبالدز، آندره دو آنی، پیتر کنز، الیزابت پلاتر زیبرگ، الزلینکا، دین برنان
	ملاحظات زیست‌محیطی و پایداری	سرگنی چرمایف، گراهام هاگتون، کولین هانتز، هوگ بارتون، ریچارد راجرز

جدول ۲. شاخص‌های مورد توجه در بررسی وضعیت مبلمان شهری (احمدی، ۱۳۹۵)

ردیف	ابعاد	عوامل	شاخص‌ها	منبع
۱	تمایل و نظر شهروندان	آموزش شهروندان	فرهنگ سازی	(سعیدی، ۱۳۸۹) (قنبری و پور محمدی، ۱۳۸۳)
			انطباق و مقررات شهری	(فاضلی، ۱۳۹۳) (قنبری و پور محمدی، ۱۳۸۳)
		مشارکت عمومی	عدالت در امکانات و تجهیزات شهری	(ملک، ۱۳۸۵) (هاشم پور، ۱۳۹۰)
			تقویت حس تعلق شهروندان	(هاشمی و مسدد، ۱۳۸۹) (اسلامی راد، ۱۳۹۳) (توسلی و بنیادی، ۱۳۸۶)
۲	توسعه پایدار و طراحی سبز	مصلح	هم‌اندیشی مردم	(ویسی، ۱۳۹۲) (محمدی، ۱۳۸۶)
			مواد و مصالح قابل بازیافت	(سمیاری و امینی، ۱۳۹۰) (van, 2007)
			استفاده از مصالح بومی	(مرتضایی، ۱۳۸۱) (قنبری و پور محمدی، ۱۳۸۳)
			انتخاب مصالح بادوام و مناسب	(براتی، ۱۳۹۳) (سعیدی، ۱۳۸۹)
		نگهداری	صرفه اقتصادی مصالح	(قنبری، ۱۳۸۹) (آگشته، ۱۳۷۹)
			آموزش مردم	(هاشمی و مسدد، ۱۳۸۹) (van, 2007)
			حداقل هزینه و منابع برای نگهداری	(lin, 1992) (van, 2007)
			نگهداری مناسب پس از ساخت	(براتی، ۱۳۹۳) (van, 2007)
		عملیات	استفاده از منابع طبیعی	(lin, 1992) (مرتضایی، ۱۳۸۱)
			استفاده از تکنولوژی ذخیره انرژی	(lin, 1992)
۳	دسترسی امنیت	دسترسی	مکان‌یابی و نظم‌دهی مناسب به مبلمان شهری	(lin, 1992) (زنگی آبادی و تبریزی، ۱۳۸۳) (فضلی خانی و حسنی، ۱۳۸۸)
			مکان‌یابی و استقرار صحیح مبلمان	(قنبری، ۱۳۸۹) (منصوری، ۱۳۹۲) (بوسل، ۲۰۱۳) (بهنام مرشدی، ۱۳۹۰) (فرهودی و همکاران، ۱۳۷۸) (Beer A, 1993)
		امنیت	حفظ امنیت در دسترسی	(قنبری و پور محمدی، ۱۳۸۳) (رضا قلی، ۱۳۹۲)
			حفظ امنیت استفاده کنندگان	(قنبری، ۱۳۸۹) (عرب محمدی، ۱۳۹۲)

ردیف	ابعاد	عوامل	شاخص‌ها	منبع
			رعایت استانداردهای لازم	(تندنویس، ۱۳۷۸)
			روشنایی کافی در معابر	(سعیدی، ۱۳۸۹)
			نورپردازی مناسب در مراکز عمومی	(سعیدی، ۱۳۸۹) (مویدی و علی نژاد، ۱۳۹۲)
			ایجاد تعادل بین انسان و محصول	(اثنی عشری و همکاران، ۱۳۹۲) (خرمی، ۱۳۹۲) (قنبری، ۱۳۸۹)
		ارگونومی	حداکثر راحتی و آسایش در هنگام استفاده برای تمام اقشار جامعه	(پور ابوطالب، ۱۳۸۵) (صفری و دیگران، ۱۳۸۵)
	عملکرد	کمیت	تکرار مناسب مبلمان شهری	(هاشم پور، ۱۳۹۰) (کاوه، ۱۳۹۲)
			تعداد مناسب مبلمان شهری	(مرتضایی، ۱۳۸۱) (هاشم پور، ۱۳۹۰)
			تناسب و هماهنگی بصری مبلمان با یکدیگر	(عبدی، ۱۳۹۳) (مسدد و هاشمی، ۱۳۸۹)
		هماهنگی	هماهنگی مبلمان با سایر المان	(مسدد و هاشمی، ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

مبلمان شهری به عنوان یکی از مهمترین عناصر محیط شهری سهم بسزایی را در مطلوبیت و مطبوعیت فضا از دیدگاه شهروندان دارد و عدم برنامه‌ریزی ناقص در زمینه مبلمان شهری به عدم کارآیی این عناصر دامن می‌زند. امروزه مبلمان شهری اصلی‌ترین مفصل ارتباطی شهروند با شهر است. ابزاری است که علاوه بر رفع نیاز، خاطره می‌سازد و احساس رضایت ایجاد می‌کند. در این میان ملاک انتخاب مبلمان شهری مانند سایر اقدامات زیباسازی نمی‌تواند، قیمت باشد، زیرا خسارتی که یک مبلمان معیوب به روان شهرها وارد می‌سازد جبران‌ناپذیر است و سالیان سال است از طرح شعار "شهرما، خانه ما" می‌گذرد، اما کمتر شهروندانی در قلب خویش احساس می‌کنند شهرشان خانه‌شان و شهرداری در خدمت آن‌ها، زیرا هنوز به این نقطه نرسیده‌ایم که تمامی رفتارها در محیط‌های شهری ناشی از عدم ارتباط مناسب شهر و شهروند است، نه فرهنگ غلط مردم.

منابع

- پورابوطالب، محمد. (۱۳۸۵). ورزش و مبلمان شهری. تهران: نشر تهران.
- توسلی، محمود، و بنیادی، ناصر. (۱۳۷۱). طراحی فضای شهری (جلد اول). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- رضوانی، محمدرضا، و منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی. روستا و توسعه، ۱۱.
- روح بخش، فروغ. (۱۳۸۵). مناسب‌سازی مبلمان و تجهیزات شهری. تهران: نشر تهران.
- زنگی آبادی، علی، و تبریزی، نازنین. (۱۳۸۳). تحلیل فضایی مبلمان شهری محدوده گردشگری بخش مرکزی شهر اصفهان. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱.
- علی اکبری، اسماعیل، و امینی، مهدی. (۱۳۸۹). کیفیت زندگی شهری در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، ۹(۳۱).
- فلاح، محمد. (۱۳۸۷). تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۲.

لطفی، صدیقه. (۱۳۸۰). مفهوم کیفیت زندگی شهری، تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری. فصلنامه جغرافیای انسانی، ۱.

وظیفه دوست، حسین. (۱۳۸۸). بررسی شاخص های کیفیت زندگی شهری تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۱.
Megone, C., Guesta, R., Sarris, G. & Signoretta, D. (1990). Urban design : method and techniques. Oxford: Architectural press.